موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

بررسی راوی مجهول از نظر اعتبار و عدم اعتبار

در جلسه قبل درباره اقسام راوی مجهول مطالبی بیان شد. روایت مجهول به روایتی گفته می شود که یکی از افراد راویان آن مجهول باشد. رای مشهور در میان محدثان اهل سنت این است که چنین روایتی اعم از اینکه مجهول الذات، یا مجهول العین و یا مجهول الحال باشد، اعتبار ندارد و درباره آن روایت توقف می شود تا اینکه راوی آن شناخته شود و درباره وثاقت یا عدم آن تحقیق شود. این حکم اولیه چنین روایتی است، اما حکم ثانوی آن این است که اگر آن روایت از یک یا چند طریق دیگر نیز نقل شده باشد و آن طریق ها یا ضعف نداشته باشند و یا وجه ضعف آنها همانند این روایت باشد، در این صورت ضعف آن روایت مجهول جبران شده و اصطلاحا آن را روایت «حسن لغیره» گویند.

در ادامه به بیان اقوال برخی از عالمان برجسته اهل سنت دراین باره می پردازیم. برای این منظور از کتاب «مناهج المحدثین فی تقویه الاحادیث الحسنه و الضعیفه»، نوشته دکتر مرتضی الزین احمد سودانی، نشر مکتبه الرشد، الریاض استفاده می شود. برخی از این اقوال از این قرار است:

1. از دارالقطنی درباره حدیث مجهول العین نقل شده که گفته است: عالمان حدیث در مورد روایت کسی که عدالتش معلوم نیست و تنها یک راوی [موثق] دارد توقف می کنند تا وثاقتش معلوم شود.[[1]](#footnote-1) بنابراین این گونه نیست که آنان روایت مجهول العین را مطلقا رد کنند بلکه در مورد آن توقف می کنند و لذا اگر روایت مویدی پیدا شود، آن روایت پذیرفته می شود.

2. حافظ ابن حجر عسقلانی در مورد روایت مجهول الحال گفته است: روایت چنین شخصی با دو شرط پذیرفته می شود: یکی اینکه آن روایت شاذ و بر خلاف روایت موثقین نباشد، دیگر اینکه آن روایت موافق داشته باشد و آن روایت موافق از جهت ضعف یا مساوی و یا ضعف کمتری نسبت به این روایت داشته باشد. وی در جای دیگر گفته است اگر کسی حفظش قوی و مطلوب نیست یا قوه تمیز او ضعیف است (مانند اینکه به خاطر کهولت، دچار اختلال شده باشد)، اگر روایت او دارای متابعات و شواهد باشد در این صورت روایت او پذیرفته می شود.[[2]](#footnote-2)

وی همچنین گفته است: اگر روایتی که مستور است، از طریق دیگری که برتر یا همانند آن است نقل شده باشد، آن روایت مزبور به لحاظ مجموع آن روایت و متابعش حسن خواهد بود و از درجه توقف به درجه قبول ارتقاء خواهد یافت. [[3]](#footnote-3)

3. جلال الدین سیوطی در کتاب «تدریب الراوی» گفته است: ضعف روایت به لحاظ مجهول بودن راوی از نظر ابن حجر عسقلانی همانند ضعف روایت به لحاظ ارسال و یا ضعف حفظ راوی، با تعدد طرق جبران می شود. «و کذا اذا کان ضعفها لارسال او تدلیس او جهاله رجال کما زاده شیخ الاسلام، زاد بمجیئه بوجه آخر»[[4]](#footnote-4).

4. ابن تیمیه گفته است اگر راوی روایت مجهول باشد، احتمال اینکه کاذب باشد یا نه صحیح است. اما هرگاه دیگری در نقل این روایت با او موافق باشد و آن روایت را از وی نقل نکرده باشد، معلوم می شود که تعمد بر کذب نبوده است زیرا اتفاق دو نفر در لفظی واحد و طولانی، ممتنع یا بعید است، ولی چون احتمال چنین اتفاقی وجود دارد آن روایت از درجه صحیح پایین تر است [و درجه حسن پیدا می کند].[[5]](#footnote-5)

5. البقائی گفته است: ما روایت مستور را به خاطر ضعفش رد نکرده ایم، بلکه به خاطر اینکه محتمل الضعف است و علم به درستی آن نداریم آن را رد کرده ایم. بر این اساس هنگامی که با نقل دیگری مواجه می شویم که اعتبار آن همانند این حدیث است، آن روایت تقویت می گردد و ظن قالب به حفظ و اعتبار علمی آن حاصل می شود و در این علم ظن قالب معتبر است.[[6]](#footnote-6)

6. السحاوی المصری نیز همین مطلب بقائی را نقل کرده است.[[7]](#footnote-7)

نویسنده کتاب منهاج المحدثین در ابتدای کتابش چنین نتیجه گرفته و گفته است: « فالعمده فی هذا الباب تعدد الطرق و اختلاف المخارج و فی هذا المعنی یقول الحافظ ابن الحجر ان کثره الطرق اذا اختلفت المخارج تزید المتن قوتا فطرق المتعدد و المخارج متباینه یتقوی بها الحدیث و لایکفی تعدد الطرق وحدها بل لابد من النظر فی مرتبه متابع و المتابع لانه لیس من یوافق یکون ذلک سببا للقوه، و الحدیث الحسن بذاته مثلا یعتضد بمثله و بما هو اعلی منه، و الحدیث الضعیف ضعفا یسیرا بسبب السوء حفظ راوی مثلا یمکن ان یتقوی و یعتضد بحدیث ضعیف بسبب سوء حفظ راوی او بسبب ارساله او جهاله عینه ارسالا خفیا او قبوله لتلقین و نحو ذلک، و یعتضد الحدیث الضعیف ایضا بما هو اعلی منه».[[8]](#footnote-8)

بنابراین روشن شد که صرف مجهول بودن راوی یک روایت سبب ضعف آن روایت نمی شود بلکه در صورت انفراد آن روایت، اعتبار آن از بین می رود، اما در صورتی که آن روایت دارای متابع و شواهد باشد، آن روایت مورد قبول است و این رویه پذیرفته شده میان عالمان علم حدیث است.

ادامه بحث را انشاءالله در گفتارهای بعد دنبال کنید

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. السنن، ج3، ص 174 [↑](#footnote-ref-1)
2. قواعد اصول الحدیث، ص 120- 121 [↑](#footnote-ref-2)
3. نزهه النظر، ابن حجر عسقلانی، ص 51- 52 [↑](#footnote-ref-3)
4. تدریب الراوی، سیوطی، ص 84 [↑](#footnote-ref-4)
5. مجموع الفتاوی ابن تیمیه، ج18، ص 23 [↑](#footnote-ref-5)
6. النکه الوفیه بما فی شرح الالفیه، ج2، ص 497 [↑](#footnote-ref-6)
7. فتح المبین فی شرح الالفیه الحدیث [↑](#footnote-ref-7)
8. مناهج المحدثین، ص 21 [↑](#footnote-ref-8)